

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد و بررسی

جامعه شناسی (۱)

رشته های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه دهم

تدوین و تنظیم:
حمید رحیمی

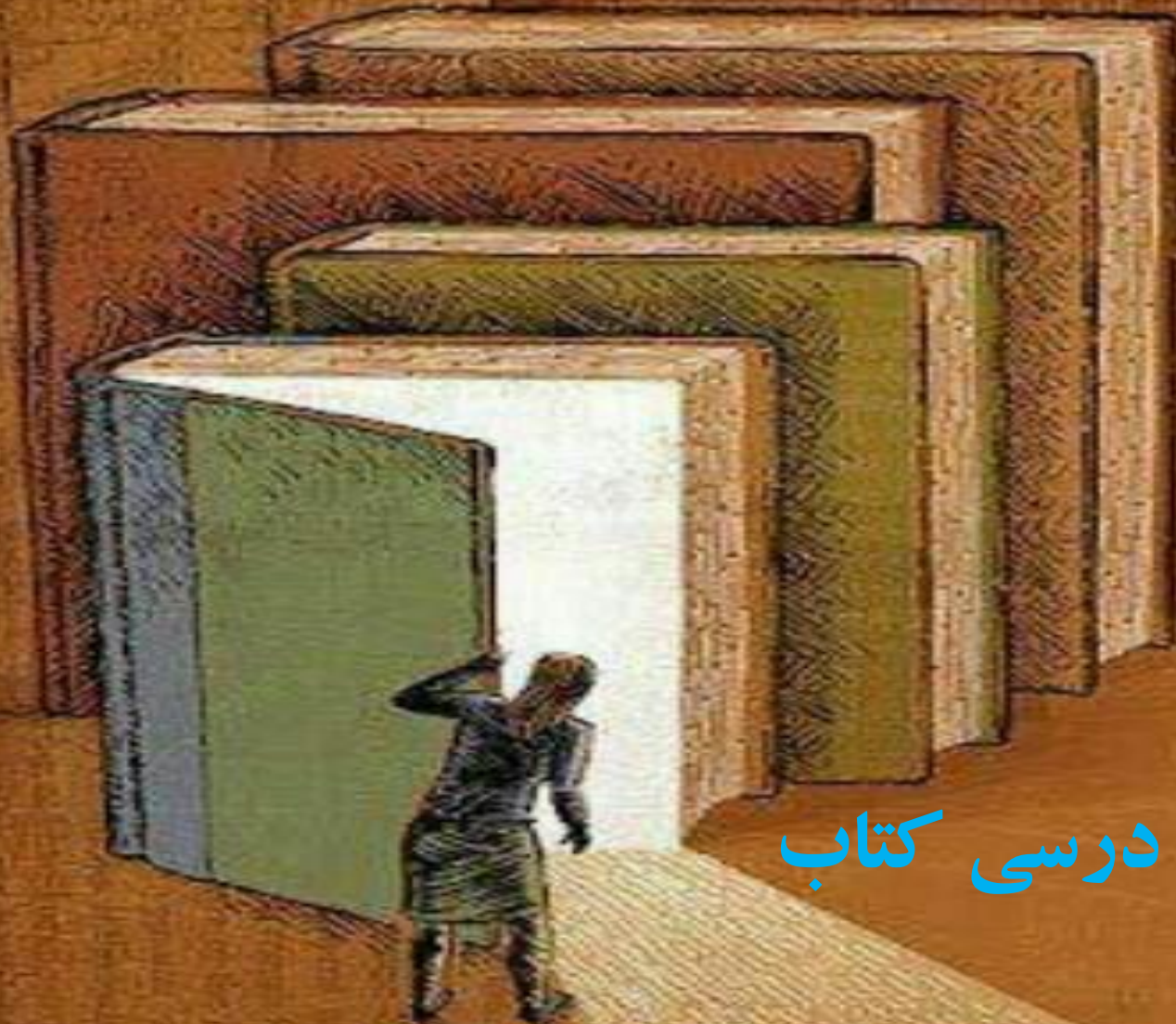
دوره دوم متوسطه

مجمع عمومی گروه علوم اجتماعی استان اصفهان

۹۵/۱۱/۶

۱۳۹۵

مروری بر چارچوب کلی کتاب جامعه شناسی پایه دهم

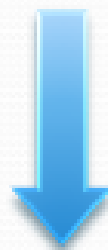


منطق برنامه درسی کتاب

اصول حاکم بر رویکرد کتاب

منطق برنامه درسی و تغییر جامعه شناسی ۱

- تغییر نگاه به علوم انسانی در جامعه
- گرایش به شریف ترین موضوع آموزش و پرورش



تربیت و هویت یابی

(هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت ایرانی، هویت اسلامی)
یکی از مشکل سازترین مباحث پیش روی تعلیم و تربیت کشور

اصول حاکم بر رویکرد برنامه درسی

کتاب جامعه شناسی ۱

- بر اصول هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت و تربیت اسلامی استوار است.
- بر مبانی نظری و فلسفی سند تحول تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش استوار است.
- نوعی جامعه شناسی فرهنگی است: در تحلیل های اجتماعی فرهنگ یک متغیر مستقل است و زیر ساخت بقیه مفاهیم اجتماعی است نه مانند جامعه شناسی غرب که فرهنگ را متغیر وابسته می داند.
- ریشه ها و منظر کتاب های جامعه شناسی جدید التالیف فلسفی و بر مبنای رویکرد چهارم است.
- ۲ درس اول کتاب جامعه ۱ مبانی نظری و فلسفی است سپس در فصل دوم این کتاب و جامعه ۲ و ۳ به بیان مفاهیم جامعه شناسی از این منظر پرداخته می شود.

کتاب جامعه شناسی پایه دهم در پی چیست؟

- در صدد ایجاد نوعی جامعه شناسی ایرانی اسلامی با توجه به ظرفیت های که تمام شاخه های جامعه شناسی برای او فراهم می کند.
- یعنی در آخرین نحله ی جامعه شناسی شاخه ی هست که ظرفیت فرهنگ را در جامعه پررنگ می کند.

محورهای سند بنیادین تعلیم و تربیت ایران اسلامی

- هویت انسان در تعامل
با چهار محور شکل می گیرد:

- رابطه انسان با خودش
- رابطه انسان با دیگران
- رابطه انسان با طبیعت
- رابطه انسان با خداوند

خداوند
آفرینش جهان
هویت انسان
اجتماع انسانی

اندیشمندان اجتماعی در انجام تحقیقات اجتماعی و توضیح
واقعیت‌های اجتماعی از پیش‌فرض‌های (پارادایم‌های)
مختلفی برخوردار گردیدند که شاهد طرح **سه پارادایم**
غالب در علوم انسانی شده‌ایم:

۱- اثباتی

۲- تفسیری

۳- انتقادی

انتقادي

➤ «فرآیندي انتقادي از پژوهش است که از لایه سطحی (فریب‌گونه) **جهت آشکار نمودن ساخت‌های واقعی در جهان مادی به منظور کمک به مردم در راستای تغییر شرایط و ساختن دنیای بهتر عبور می‌کند**»

تفاوت‌های بین سه پارادایم علوم انسانی

سؤال	اثبات گرانی	تفسیرگرانی	انتقادی
۱ - دلیل انجام تحقیق	برای کشف قوانین طبیعی بطوریکه مردم بتوانند پدیده‌ها را پیش‌بینی و کنترل نمایند	برای فهم و تبیین کنش اجتماعی معنا دار	برای از بین بردن افسانه‌ها و قادر کردن مردم به تغییر در جامعه
۲ - ماهیت واقعیت اجتماعی	انگاره (الگوی) از پیش موجود پایدار و یا نظم قابل کشف	تعاریف سیال يك موقعیت که بوسیله تعامل اجتماعی مردم خلق می‌شود	يك موقعیت پر از تضاد که بوسیله ساختارهای زیربنایی پنهان هدایت می‌شود
۳ - ماهیت انسان	افراد منفعت جو ، لذت جو و عقلانی که بوسیله نیروهای بیرونی هدایت و کنترل می‌شوند.	انسانها معنا را خلق کرده و بطور مداوم دنیای اجتماعی خودشان را می‌سازند و قابل فهم می‌کنند.	افرادی خلاق و سازگار با پتانسیلهای شناخته نشده که بوسیله فریب و استثمار بدام افتاده‌اند ولی توانایی تحولات راسخین را دارند.
۴ - شعور عامیانه	بطور واضح متمایز و کم‌ارزش‌تر از علم است	نظریه‌های قدرتمند روزانه که توسط افراد عادی استفاده می‌شود	باورهای غلطی که قدرت و شرایط عینی را پنهان می‌کنند

هویت معرفت شناختی مشترک پارادایم ها:

➤ اصالت تجربه انسانی

➤ دانش مرجع ساخته انسان

➤ نفی متافیزیکی

➤ طرح گوشه هایی از حقیقت (بر اساس منابع معرفتی)

پارادایم چهارم: انتقادی اسلامی (رویکردی تصرفی است).

- فیزیک و متافیزیک متصل هستند. رویکرد تصرفی از قواعد مطلق و ثابت جدا نیست.
- مدرنیته گزینه ها و زیر ساخت های سنت وادیان ابراهیمی را نقض کرد.
- مدرنیته هویت خود را در آینده جستجو می کند.
- مدرنیته زمان و مکان را از محتوا خالی می کند. یعنی به امر قطعی و ثابت و مطلق باور ندارد.

واکنش ایرانی ها در ارتباط با مدرنیته

- دیدگاه اول مدرنیته را ذاتا نجس می داند، و معتقد است که امروزمان باید در امتداد گذشته باشد، (هم در تسنن و هم در تشیع وجود، دارد)
- دیدگاه دوم مامی بایست در امتداد مدرنیته حرکت کنیم تا آنجا که می توانیم و باید تلاش کنیم هر چند در ظاهر مان نیز باشد.
- دیدگاه سوم رویکرد گزینشی، (غرب خوب، غرب بد) غرب بد، از جمله آن فردگرایی افراطی، فروپاشی خانواده و...
- در غرب خوب (ساینس و تکنولوژی به هر میزان از ساینس و تکنولوژی را باید وارد کنیم)
- ساینس نوعی از علم است که معرفت آزمون پذیر، مبتنی بر مبنای سکولار

رویکرد تصرفی

- این رویکرد معتقد است که ساینس از جنس هواست، از جنس اندیشه است، وقتی وارد شد بر اندیشه ی شما اثر می گذارد، و ممکن است دانسته های پیشین شما را دچار تعارض کند، و می بایست یکی از این دو اندیشه به نفع دیگری کوتاه بیاید.
- یعنی در این دیدگاه می بایست با مبانی نظری خود با اندیشه برخورد کنیم، یعنی در این دیدگاه می بایست زمین بازی را عوض کنیم و این بازی، زمین بازی فرهنگی و مدرنیته است.

دیدگاه متفکران در ارتباط با مدرنیته

- مدرنیته با روشنگری آغاز شد.
- هابرماس معتقد است که مدرنیته دورانی است که بشر نمی تواند دومی خواهد اصولش را از گذشته بگیرد.
- گیدنز از مدرنیته تحت عنوان از جا کنده نام برد یعنی جایی که زمان و مکان از محتوای می شوند.

اصول پارادایم انتقادی اسلامی:

- انسان خلیفه الله است، و چون اشرف مخلوقات است، در هر ساختاری که به استضعاف کشیده و استثمار شود، می بایست بر علیه آن ساختار شورش و انقلاب کند. یعنی عافیت اندیش نباشد.
- یعنی ما نمی خواهیم انسان را، رها کرده و دیگریه او کاری نداشته باشیم.
 - چون انسان از نگاه اسلام قبل از اینکه اسیر هر نوع ساختار دیگری باشد، اسیر درون خود (نفس خود) می باشد.
- انسانی که اسیر نفس خود شد، عافیت طلب می شود و در جایی ممکن است جای حق و باطل را عوض کند.
- رسالت ما در این است که در جهت تعالی انسان گام برداریم.

- نظریہ های جامعہ شناسی اسلامی نباید تنها، باعث درک جهان اجتماعی درما، گردد، و از طریق آن جهان اجتماعی را تحلیل کند بلکه باید بتواند انسان را، از این ساختارها، رها کند، اورا هدایت کند، انسانی تر کند، خدایی تر کند.

- در قالب این دیدگاه جامعہ شناسی نباید، علم تزئینی باشد، به این معنا کہ نظریات را بخوانیم، تحلیل کنیم، و.....
- جامعہ شناسی زمانی علم است، کہ در کنار کمک بہ مخاطب در فہم جهان اجتماعی، اورا از قید ساختارها رها کند کہ او انسانی تر بفہمد، انسانی تر جهان اجتماعی را تشکیل دہد

نکات مشترک پارادایم انتقادی با پارادایم اسلامی

- انسان تحت هیچ شرایطی نباید تسلیم ساختارها شود.
- واقعیت عمق پنهان دارد.
- واقعیت های اجتماعی لایه لایه اند و محل ستیز هستند.

تفاوت های پارادایم انتقادی با پارادایم اسلامی

- پارادایم انتقادی
غرب:

فریاد گراست.

ظلم تنهایرونی است.

پشتوانه فوق بشری
ندارد.

ظلم هم بیرونی و هم درونی
است.

به نور خدا متصل است.

فواید جامعه شناسی انتقادی اسلامی:

جامعه شناسی را عمیق و مبنایی می کند.
امکان نقد مبنایی به انسان می دهد.
امکان تولید علم به انسان می دهد.

۱- نقد سازمان دهی و ساختار

۱-۱ ویژگی های صوری سازمان دهی کتاب

پشت جلد نامناسب

فونت ریز و رنگ نامناسب ورودی های درس ها

جهان های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می کنند.

– جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می شود یا در محدوده منافعی که برای خواسته های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می شود. جهان دنیوی همه ظرفیت ها و استعداد های انسان را در خدمت دنیا به کار می گیرد و ظرفیت ها و خواسته های معنوی انسان ها را به فراموشی می سپارد.

– جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره ای آسمانی و ملکوتی پیدا می کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می دهند، فرهنگ جهان توحیدی است، اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می شود.

جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت ها و محدودیت هایی دارد؟

عدم شفافیت برخی از تصاویر (عدم جذابیت های دیداری)









استفاده زیاد از تصاویر سیاه و سفید



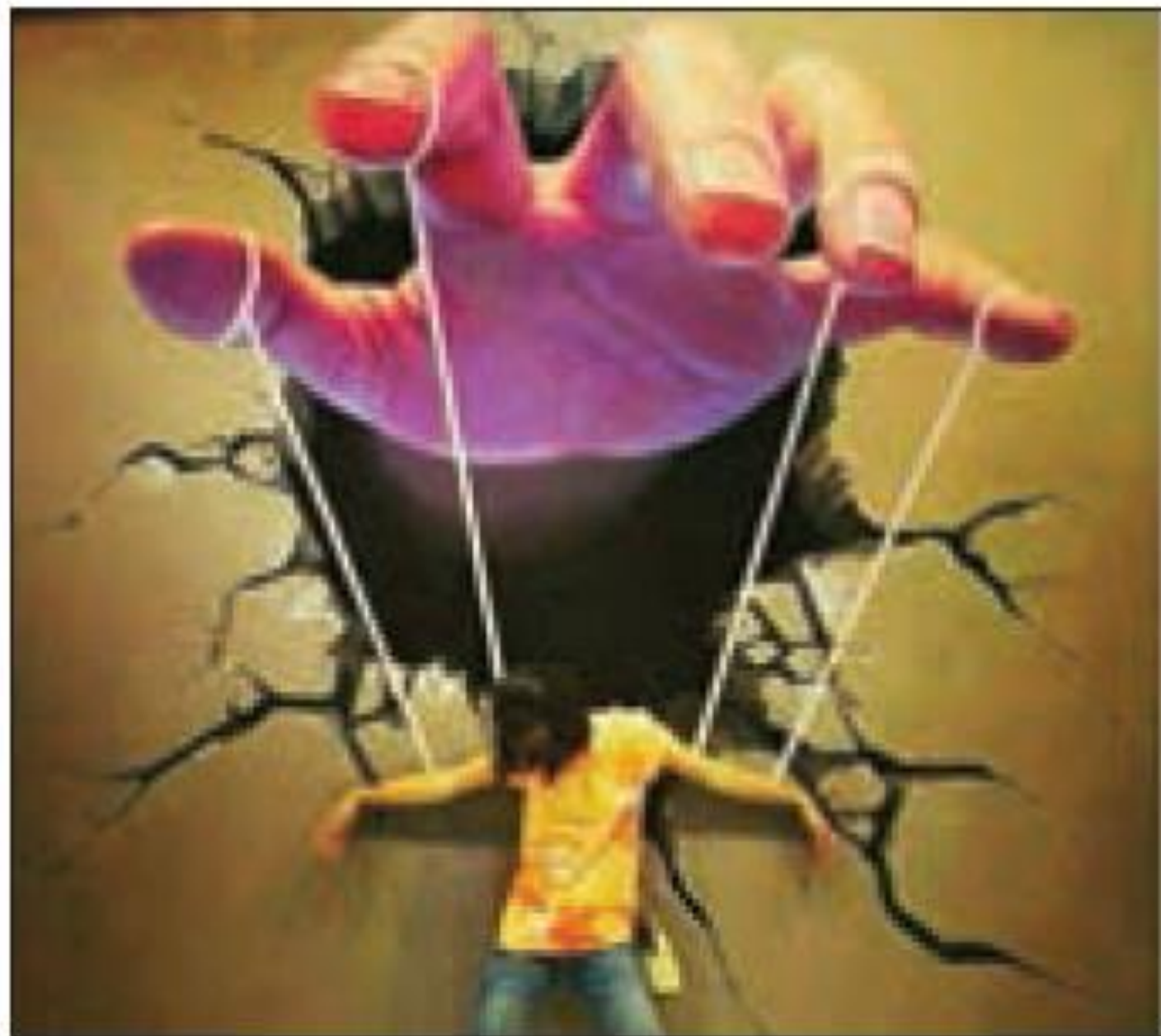


عدم تناسب تصویر با متن یا تصاویر مبهم





■ تصویر نمایش سیاهان افریقایی در باغ وحش نیویورک



خانواده در جهان
های اجتماعی
مختلف

■ خلاً معنوی

زیرنویس ناکافی (به جز درس ۱۴)

- اگر برخی از قسمت های بخوانیم و بدانیم همراه با مثال در زیرنویس های کتاب قرار می گرفت صفحات هر درس از تناسب صورتی بهتری برخوردار می شد.

۲-۱ تسلسل، تناسب و پیوستگی کتاب

ارتباط عرضی ضعیف مطالب کتاب با یکدیگر (مثلاً صفحه ۱۲ کتاب به مفاهیم جامعه پذیری، کنترل اجتماعی و روش های آن می پردازد در حالی که درس ۹ در صفحات ۶۸ تا ۷۱ آن را به صورت مبسوط ارائه می کند).

بحث فرصت ها و محدودیت های پدیده های اجتماعی در درس ۲ صفحه ۱۱ و ۱۳ اشاره می شود و بعد از ۶ صفحات ۴۰ تا ۴۲ به صورت مبسوط به آن پرداخته می شود.

در درس ۲ صفحه ۱۳ پرداختن به پدیده های طبیعی و تفاوت آن با پدیده های اجتماعی ضرورت ندارد زیرا این مطلب را به صورت کامل در صفحات ۱۸ تا ۲۰ توضیح داده است.

پدیده های اعتباری با ذکر مثال به خوبی در درس ۳ توضیح داده نشده است و دبیر مجبور است که پدیده های اعتباری و غیر اعتباری را به صورت گسترده تری توضیح دهد تا دانش آموز بتواند فعالیت آخر درس را تحلیل کند.

بنابراین جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و اراده انسان ها شکل می گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی بر اساس آن شکل می گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است.

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مورد مثال بیاورید و در جدول زیر بنویسید.

پدیده های تکوینی

پدیده هایی که انسان آنها را ایجاد نمی کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارند به جهان اجتماعی راه می یابند.

پدیده های اعتباری

کنش انسان ها و پیامدهای آن

عدم تناسب زمان تدریس با مفاهیم درسی
کتاب (کمبود وقت برای تدریس مطلوب
آموز) و خستگی مفرط دبیر و دانش آموز

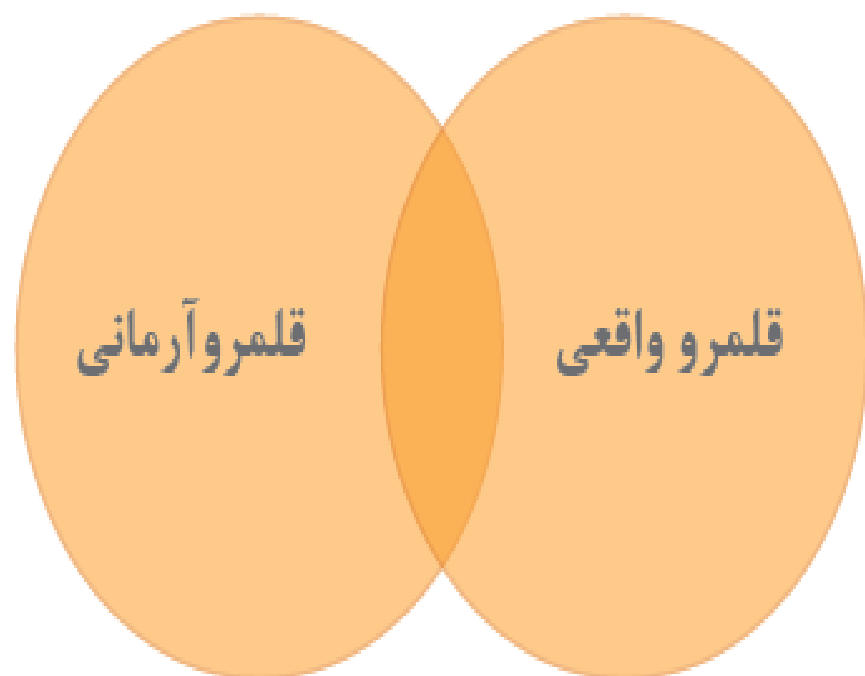
استفاده از مصادیق دشوار و مبهم

- برای بیان رابطه بعدذهنی و بعدعینی پدیده های اجتماعی استفاده از مثال نفت در صفحه ۲۶ کتاب برای دانش آموز پایه دهم گنگ و مبهم است و می شد به مثال های ساده تری پرداخت.

در جهان اجتماعی بُعد ذهنی پدیده ها، اهمیت بسیاری دارد. در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می بایست نفت را به گران ترین قیمت از کشورهای نفت خیز خریداری می کردند ولی جالب است بدانید به ارزان ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی آن مفقود بود. همانند دانش آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و از این استعداد بهره چندانی نمی برد!

عدم توضیح و مثال کافی برای قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

۳-۱) اعتبار و روایی مطالب

- بانظریه های علم جامعه شناسی در سطح جهانی، بی طرفی علمی، ویژگی علمی نظریه (کنترل پذیری، تکرار پذیری، آزمون پذیری) انطباق دارد؟

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان های بشری بوده و اغلب جهان های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم ترین آرمان ها و ارزش های اجتماعی هستند. واقعیت ها و آرمان های جهان اجتماعی را براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می کنند. گفته شد که واقعیت ها را در پرتو آرمان ها ارزیابی می کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می دهیم. حال، خود آرمان ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان ها همواره حق اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

۲-نقد ارزشیابی و عملکرد

عدم تناسب باتوانایی های دانش آموز (دانش آموزی که درحیطه دانشی به فراگیری پرداخته ،توان استنباط مفهومی و عملکردی مطالب را ندارد.)فاصله زیادی بین مفاهیم وحوزه استنباطی پایه نهم ودهم .

مشکل به کارگیری روش های فعال تدریس ومشارکت اجتماعی دانش آموزان درتدریس (تکیه برروش سخنرانی،روش پیش سازمان یافته)

عدم تناسب برخی از فعالیت ها با توانایی های دانش آموزان

نمونه بیاورید

دانستید که در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» بیندیشید. کسانی که کنشگران با توجه به آنها، دست به کنش می زنند، متفاوت اند. در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه / آشنا

دوست / دشمن

گذشتگان / معاصران / آیندگان

مؤمن / کافر / منافق

با این مثال ها متوجه می شوید؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می گیرد، آداب و قواعد خاصی می خواهد. آیا تا کنون فکر کرده اید که این آداب چگونه شکل می گیرند، چگونه دوام می آورند یا تغییر می کنند؟

(برای آشنایی با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می توانید به کتاب مفاتیح الحیاة آیت الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

صفحه ۱۰

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مورد مثال بیاورید و در جدول زیر بنویسید.

پدیده‌های تکوینی

پدیده‌هایی که انسان آنها را ایجاد نمی‌کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند.

پدیده‌های اعتباری

کنش انسان‌ها و پیامدهای آن

۲

۱ از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می شود؟ یا ممکن است جامعه ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خود بیگانه باشد؟

۱- هویت اجتماعی تاریخی انسان ها ریشه در حقیقت جویی و هویت عالم دارد.

۲- تاریخ بشریت، تاریخ حقیقت جویی و فطرت جویی است. فراموشی هر یک به فراموشی دیگر منجر می شود.

۳- چون حقیقت جویی بخشی از هویت تاریخی بشر است، ممکن نیست.

عدم تناسب برخی سوالات ورودی ها با تقویت تفکر خلاق و انتقادی

شیر و آهو دو حیوان متفاوت‌اند. شیرها نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست. به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟ در کتاب منطق با مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های عَرَضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

صفحه ۳۱

آیا این ورودی با متن زیر تناسب کافی دارد؟

جهان‌های اجتماعی یکسان‌اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

۳- نقد اهداف و حیطه های یادگیری

آیا به اهداف مطروحه ابتدای فصل ها می رسد؟

فصل ۱: دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت های آن

- به معناداری (آگاهانه بودن) کنش آدمی پی می برد و به درک معنای کنش ها علاقه نشان می دهد.

• برای توجه به پیامدهای کنش خود و دیگران انگیزه کافی پیدا می کند.

- با استفاده از روش مقایسه به معناداری پدیده های اجتماعی پی می برد و متوجه نقاط قوت و ضعف این روش می شود.

- چگونگی شکل گیری و گسترش جهان اجتماعی (کلان ترین پدیده اجتماعی) را توضیح می دهد.

- برای پدیده های تکوینی و اعتباری جهان اجتماعی مصداق می آورد.

- با تفکیک لایه های مختلف جهان اجتماعی به اهمیت پدیده های اجتماعی عمیق تر و کلان تری پی می برد.

- علت تنوع جهان های اجتماعی و آثار این گوناگونی را بیان می کند.

- فرصت ها و محدودیت های جهان های اجتماعی را تشخیص می دهد.

- **ملاک های نقد و ارزیابی جهان های اجتماعی را می شناسد و از آنها بهره می گیرد.**

به نقش افراد در گسترش جهان اجتماعی پی می برد و در این راستا احساس مسئولیت می کند

اهداف فصل دوم:

- تمایز، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را شرح می‌دهد.
- به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود، آگاه می‌شود و برای هویت‌یابی مطلوب، انگیزه کافی پیدا می‌کند.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت اجتماعی توضیح می‌دهد.
- امر به معروف و نهی از منکر را ضروری می‌داند و به انجام آن رغبت نشان می‌دهد.
- فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان‌های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید فراهم می‌کنند نقد و ارزیابی می‌کند.
- به جایگاه عقاید و ارزش‌های کلان در شکل‌گیری هویت جهان اجتماعی پی می‌برد.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز می‌دهد و رابطه آنها را شرح می‌دهد.
- علل درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان می‌کند.
- تحولات هویتی مثبت و منفی را تشخیص می‌دهد و خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی متعهد می‌داند.
- از خودیگانگی فطری و تاریخی را تشخیص می‌دهد.
- هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز می‌داند و به آن تعلق خاطر بیشتری پیدا می‌کند.
- به اهمیت ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی پی می‌برد و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کند.

آیا اهداف مذکور با امکانات موجود قابل حصول است؟

آیا اهداف مذکور با یکدیگر هماهنگ هستند؟

آیا اهداف مذکور با نیازهای و توانایی های دانش آموزان تناسب دارد؟

آیا اهداف مذکور با یافته های جدید علمی مطابقت دارد؟ و به مصادیق آن در کتاب اشاره شده است؟

حیطه شناختی

آیا مفاهیم اساسی و پایه علم جامعه شناسی به دانش آموزان انتقال می یابد؟

آیا تعاریف کتاب برای دانش آموز واضح، شفاف و قابل فهم است؟

آیا مفاهیم کتاب همانقدر که برای مولفین از اولویت و اهمیت برخوردار بوده برای معلمین و دانش آموزان هم مهم است؟

آیا موضوعات و مثال های به کار رفته در کتاب واقع بینانه است؟ و از یک سونگری فاصله دارد؟

آیا دانش آموزان پایه دهم توان درک مفاهیم کتاب درسی را دارند؟

- آیا مفاهیم کتاب درسی موجب تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به جهان اجتماعی خود می شود؟
- آیا روحیه نقادی (انتقاد سازنده) دانش آموزان نسبت به جهان اجتماعی خود افزایش می یابد؟
- آیا هویت ملی، هویت دینی، هویت فرهنگی، هویت اجتماعی، هویت تاریخی، هویت فلسفی و هویت عرفانی دانش آموزان تقویت می شود؟ و آیا با عادهویتی دانش آموزان بایکدیگر تناسب بیشتری پیدامی کند؟
- آیا با تدریس مفاهیم جامعه شناسی کتاب تعلق و تعهد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، نهادینه شدن ارزش ها و... بیشتری شود و آسیب های اجتماعی کمتر؟

حیطه های
مهارتی

- آیاروحیه پژوهشی ونوآوری دانش آموزان ارتقاعمی یابد؟
- آیدانش آموزان دراین کتاب قدرت تجزیه وتحلیل پدیده های اجتماعی ومشکلات جامعه راپیدامی کنند؟

نتیجه گیری کلی:

انطباق لازم بین سه کنشگر اصلی (مولفین، دبیران، دانش آموزان) کتاب ضعیف است.

کتاب شتاب زده و با مصادیق ناکافی تدوین شده است.

کتاب رویکردی کاملاً جدید نسبت به سایر کتاب های جامعه شناسی ده های گذشته دارد. (کتاب دارای جهت و سوگیری و در صدد اصلاح گری اجتماعی است.)

باید به صورت فراگیر در خصوص کتاب از دبیران محترم نظر سنجی به عمل آید.

پروژه پایدار باشید. ۱۳۹۵/۱۱/۶